

روایت بانوی زنجانی که به عشق خدمت به زائران امام رضا(ع) از ۱۰ سال پیش در مشهد ماندگار شد

خدمت بی منت، اُمی خانه



عکس: نفیسه فرخی / شهرآرا

ثامن، برترین منطقه در حوزه فضای سبز

اداره کل بهبود محیط زیست شهری شهرداری مشهد، نتایج ارزیابی عملکرد مناطق در مردادماه سال ۱۴۰۵ را اعلام کرد. براساس این ارزیابی تخصصی، منطقه ثامن موفق شد با کسب امتیاز بالاتر حوزه فضای سبز، رتبه نخست را در میان مناطق سیزده گانه شهرداری مشهد از آن خود کند.

به گفته شهردار منطقه ثامن این موفقیت نشان دهنده تلاش مستمر تیم های اجرایی و کارشناسی منطقه در حفظ سلامت پوشش گیاهی و بهبود کیفیت محیط زیست شهری است. حسین عبدا...زاده بر تداوم برنامه های بهبود محیط زیست تأکید کرد و افزود: برنامه ریزی های مستمر در حوزه محیط زیست با هدف ارتقای سلامت عمومی و رفاه شهروندان و زائران انجام شده است.



شهر خبر



۳ اهالی بالاخیابان از نبود تابلو در فرعی قدیمی کوچه شوکت الدوله گلایه مند هستند

بی نشانی پنجه ۲

یادی از ۳ دهه فعالیت فرهنگی مذهبی مرحوم حجت الاسلام والمسلمین خلیلی یزدی از ساکنان قدیمی ته پل محله وداع بار روحانی جهادگر

اهالی بالاخیابان از نبود تابلو در فرعی قدیمی کوچه شوکت الدوله گلایه مند هستند

بی‌نشانی پنجه ۲

هم قدم

می‌شویم. وقتی کامیون مصالح آدرس را پیدا نکند، در کوچه‌های اینجاکه معمولاً باریک و یک طرفه هستند، سرگردان می‌شود و باید چند بار دور بزنند تا بتوانند این کوچه را پیدا کنند. موسوی نژاد ادامه می‌دهد: «با اینکه از بیرون مشخص نیست، اما داخل این کوچه دو هتل وجود دارد بارت و آمد زیاد».

مظاهر قناعت پیشه، متصدی یکی از هتل‌های داخل کوچه پنجه ۲، این موضوع را تأیید می‌کند و می‌گوید: خیلی وقت‌ها هم‌همان‌ها بمان برای پیدا کردن این کوچه دچار مشکل و در درگیری می‌شوند و زمان زیادی در کوچه‌های اطراف سرگردان‌اند. او نمی‌داند برای نصب پلاک به کجا باید مراجعه کند و ادامه می‌دهد: وقتی کوچه پلاک ندارد، نمی‌دانیم چطور باید نشانی بدیم و این موضوع واقعا آذیت‌کننده است. به عقیده قناعت پیشه، به خاطر زائریز بودن محله‌های اطراف حرم، رسیدگی به این امور از اهمیت زیادی برخوردار است. او خواستار نصب هرچه زودتر پلاک برای رفع این مشکل است.

● نصب پلاک منوط به درخواست کتبی اهالی محله

موضوع را با رئیس اداره نام‌گذاری در میان گذاشتیم. او درباره نبود پلاک در کوچه پنجه ۲ می‌گوید: سازوکار حل این موضوع به این طریق نیست. چون این کوچه پلاک داشته و فردی که همسایه‌های می‌گویند پلاک روی دیوار خانه‌اش نصب بوده است، آن را برداشته، باید اهالی محله در مورد مشکل مورد نظر درخواست کتبی ثبت کنند.

ناهد فریدنی‌ا ادامه می‌دهد: باید درخواست کتبی از سمت ساکنان، در اسرع وقت برای نصب پلاک این کوچه اقدام می‌شود تا دغدغه‌های اهالی رفع شود.

هتل‌های این کوچه را به مهمان‌ها و مراجع‌کننده‌ها بدیم. به نظر من همان‌طور که داخل هتل‌ها برای مسافران شیک و بی‌نقص می‌کنند، باید به کوچه و خیابان‌های اطراف هم رسیدگی کنند تا زائران با خیال راحت رفت و آمد کنند. این ساکن محله ادامه می‌دهد: قبلاً پلاک این کوچه را روی ساختمان سر نبش اینجانب نصب کرده بودند. الان بیش از دو سال است که ساختمان را برای بازسازی خراب کرده‌اند و بایستی ملاحظاتی پلاک را دور انداخته‌اند.

● ۲ هتل در کوچه‌ای که نشان مشخصی ندارد

حسین موسوی نژاد دوسالی می‌شود که در این کوچه ساخت و ساز می‌کند و مشکلاتی را که در نبود پلاک پیش می‌آید، به چشم دیده است. او در این باره می‌گوید: به دلیل پلاک نداشتن این کوچه، همیشه برای نشانی دادن به ماشین‌های مصالح دچار مشکل

زهرآجمع پور کوچه‌های باریک و تودرتویی از شاخصه‌های محله‌های اطراف حرم است. هر روز افراد غریبه و ناآشنایی از این کوچه‌ها می‌گذرند که یا به دنبال نشانی مورد نظرشان برای اقامت می‌گردند یا می‌خواهند از مسیرهای کوتاه‌تری به حرم مطهر برسند. مسلمان‌ها و مسلمان‌های بومی، اول تابلوها هستند که مورد توجه قرار می‌گیرند و راه را نشان می‌دهند. از این رو اگر جای تابلو بر کوچه‌ای خالی باشد، شهروندان و زائران سردرگم می‌شوند. اگرچه در نگاه اول، این موضوع برای ساکنان محله بالاخیابان که با مسیر آشنا هستند کم‌اهمیت به نظر می‌رسد، تا وقتی تابلویی بالای سر کوچه نباشد، پیدا کردن نشانی برای پیک‌ها و خودروهای خدماتی و امدادی نیز که محلی‌ها با آن‌ها سروکار دارند، دشوار می‌شود. «پنجه ۲» در خیابان اندرزگو یکی از کوچه‌های پرت تردد است که جای تابلوش چند سالی می‌شود سردر کوچه خالی است. به گفته اهالی، از همان وقت که ساختمانی که پلاک کوچه روی آن نصب شده بود خراب شد، این مشکل به وجود آمد.

● دور انداختن پلاکی که روی ساختمان نصب بود

برای پیدا کردن کوچه پنجه ۲، چند بار از کنار همان کوچه رد می‌شویم و نشانی می‌پرسیم. در نهایت با یکی از اهالی قدیمی محله روبه‌رو می‌شویم: «اوتا سر کوچه ما را راهنمایی می‌کند. سکینه بهادری سال‌هاست در این محله سکونت دارد و درباره مشکلات این کوچه بدون پلاک می‌گوید: برای من خیلی پیش آمده است که نشانی



یادی از ۳ دهه فعالیت فرهنگی مذهبی مرحوم حجت الاسلام والمسلمین خلیلی یزدی، از ساکنان قدیمی ته‌پل محله

وداع بارو حانی جهادگر

یاد آشنا



اوایل دهه ۷۰، او را روحانی مسلط به ادبیات فارسی و زبان عرب معرفی می‌کنند و می‌گویند: به نظر ما ایشان از معدود روحانیونی بود که به شکلی ویژه از اشعار شاعران بزرگ فارسی و عرب زبان در سخنرانی‌های خود بهره می‌برد و همین موضوع تأثیر کلام او را دوچندان می‌کرد. تسلط علمی او به حدی بود که بنا به گفته نزدیکانش، در دوره دانشجویی، به خواست استادان، گاهی خود به تدریس مباحث کلامی، قرآنی و روایی برای سایر دانشجویان می‌پرداخت.

عبدی می‌افزاید: از جمله ویژگی‌های بارز مرحوم خلیلی یزدی، توانمندی او در اقناع مخاطبان با رویکردی علمی بود. در سفرهای تبلیغی به مناطق تربت جام و قانات، علاوه بر شیعیان، در تعامل با اهل سنت هم موفق بود و تسلطش بر مباحث دینی سبب برقراری ارتباطات فکری گسترده شد.

عبدی، علاوه بر شخصیت علمی مرحوم به صبر و مدارای خانواده‌اش به ویژه همسرش اشاره و بیان می‌کند: همسر مرحوم خلیلی یزدی، بانویی صبور است و در روابط خانوادگی مان شاهد بودم که در شرایط دشوار معیشتی در سال‌های ابتدایی اقامتشان در مشهد و همچنین دوره بیماری مرحوم، بسیار از خودگذشتگی می‌کرد.

خیلی از افراد این مناطق در مراسم ترحیمش حضور داشتند. دانشورا اضافه می‌کند: او علاقه‌ای به حضور ثابت در یک مسجد نداشت، ولی به عنوان مشاور فرهنگی، مورد وثوق گروه‌های مختلف و هیئات مذهبی بود. مدتی پیش نماز مسجدی در محله هاشمیه بود، ولی میزان فعالیت‌هایش او را از این کار منصرف کرد. در مسجد و تکیه علی اکبری هاشم نماز را جز در مواردی که امام جماعت حاضر نبود، نمی‌پذیرفت و بیشتر سخنران مذهبی بود.

● استاد و مبلغ مسلط به ادبیات

مهدی عبدی، از اعضای هیئت امنای مسجد و تکیه علی اکبری‌ها، با اشاره به سابقه آشنایی‌اش با مرحوم خلیلی از

سمیرا شاهیان اصالتاً اهل یزد بود. از آن دست آدم‌هایی که در جوانی پایش به جبهه باز شد و بعد از آن هم، مدارج علمی در حوزه علمیه را پشت سر گذاشت، اما حوزه برای او پایان راه یادگیری نبود و تا مقطع کارشناسی ارشد، پای درس استادان دانشگاه فردوسی هم نشست و آموخت. مرحوم حجت الاسلام والمسلمین محمد رضا سعادت‌تی، معروف به خلیلی یزدی که حدود چهار روز قبل به دلیل بیماری دارفانی را وداع گفت، در طول ۴۶ سال فعالیت فرهنگی و تبلیغی، خودش را محدود به پیش‌نمازی در مسجد یا ماندن در مشهد نکرد و در بسیاری از مناطق کم‌برخوردار، یاد و نام خوشی از خود به جای گذاشت.

● حضور فعال در مناطق محروم

امیر دانشور، داماد خانواده مرحوم خلیلی یزدی، درباره فعالیت‌های او می‌گوید: مرحوم خلیلی یزدی از حدود چهارده سالگی در جبهه‌های جنگ تحمیلی حضور داشت و پس از دوران دفاع مقدس، برای ادامه تحصیل در رشته الهیات در دانشگاه فردوسی، از یزد به مشهد مهاجرت کرد و در «ته‌پل محله»، ساکن شد. فعالیت‌هایش تنها به حوزه علمیه و دانشگاه محدود نماند و با روحیه‌ای جهادی، کارهای تبلیغی خود را به مناطق محروم از جمله قائن، زیرکوه و حاجی‌آباد در جنوب خراسان گسترش داد، طوری که





روایت بانوی زنجانی که به عشق خدمت به زائران امام
رضا(ع) از ۱۰ سال پیش در مشهد ماندگار شد

خدمت بی منت امی خاله

نجمه موسوی کاهانی هنوز آفتاب بالا نرفته، «امی خاله» بیدار می شود و جای رادم می کند. نان تازه می گیرد و صبحانه ای ساده ردیف می کند. بعد از آن فکری برای ناهار می کند. آن هم به تعداد مهمانانش، تا با خیال آسوده همراهشان به زیارت برود. هر وقت هم که زائری نیست، حیاط و اتاق های خانه را برق می اندازد به امید رسیدن مهمانان بعدی. به کمک همسایه ها می رود یا در کارهای مسجد محله مشارکت می کند.

زندگی ام البنین ایمانی، بانوی چهل و نه ساله اهل روستایی در زنجان، از زمانی که خادم زائران امام رضا(ع) در زائرسرای محله بالا خیابان شد، معنای دیگری یافت. از زمانی که امام رضا(ع) حرف دل او را شنید و مقدماتی فراهم کرد تا بیاید در یک قدمی او ساکن شود و به زائرانش خدمت کند.



● خادمی روضه اهل بیت (ع) را دوست دارم

از زمانی که خودش را شناخت، در مسجد روستا کارهای آشپزخانه را برعهده داشت. خودش می گوید: در روستا هر کس مراسم داشت من دیگ غذايش را برای می گذاشتم. اصلاً بحث پول مطرح نبود. در اصل کارهای هیئت و روضه ها با من بود. در مسجد بزرگ شدم. هجده سال در ایام فاطمیه حلیم پختم. حدود صد کیلو حلیم را یک نفره درست می کردم. هنوز اهالی روستا برای برگزاری مراسم ها به من زنگ می زدند و می پرسند چکار کنیم. باینکه اهل زنجان است، بیش از ۱۰ سال است که از اهالی دریادل مشهد به شمار می رود. دستش به خیر است و هر کس کارش گیر باشد، روی کمک او حساب می کند؛ «هر کدام از همسایه ها که روضه دارد، می روم کمک. از چای ریختن کنار سماور گرفته تا شستن ظرف ها و دیگر مراسم».

● امام رضا(ع) اجازه داد به مشهد بیایم

داستان زندگی ام البنین خانم پایین و بالای بسیار دارد. دست تقدیر طوری برایش رقم زده بود که مادر بزرگ مؤمن و عمه مهریانش او را بزرگ کردند. باشیوه تربیتی مادر بزرگ که به او «آبا» می گفت، دلش با عشق اهل بیت(ع) می تپید و روز و شبش با کمک به مردم و حضور در مجالس روضه و ذکر اتمه(ع) می گذشت. وقتی که آبافوت شد، دلش طاقت نیاورد که در خانه بماند و جای خالی او را ببیند. با کمترین پولی که دستش می آمد راهی سفر زیارتی می شد؛ «معمولاً با کاروان های زیارتی که مسئول آن ها را می شناختم، می رفتم به کربلا، نجف و قم. سالی دو بار هم می آمدم مشهد. همیشه وقتی چشمم به گنبد طلائی می افتاد، می گفتم: یا امام رضا(ع) چه می شدم هم می آمدم خادم زائرانت می شدم. این قدر گفتم که امام رضا(ع) طلبید».

داستان آمدن و ماندگار شدنش در مشهد هم حکایتی شنیدنی است؛ «حدود پانزده سال قبل وقتی تازه از سفر برگشته بودم، یکی از دوستانم به من زنگ زد و گفت: امی خاله، می آیی برویم مشهد؟ گفتم من تازه از کربلا آمده ام و پول ندارم. اما ردلم غصه خوردم، چون با حساب و کتاب خودم دیگر نمی توانستم در آن سال به مشهد بیایم. دوستم گفت: بیا

برویم. این خانمی که کاروان می برد هزینه کمی برای اقامت طولانی می گیرد. تا گفت زیاد می مانیم، دلم یک طوری شد. چون همیشه کاروان ها کم می ماندند و دلم می خواست یک دل سیر در حرم زیارت کنم. هر طور بود، پول را جور کردم و با این کاروان همراه شدم».

● چه لذتی بیشتر از آشپزی برای زائر خسته؟

وقتی پای امی خاله به زائرسرای «فرح لزو» میان رسید، انگار به خانه مادر بزرگش وارد شده بود. بدون اینکه از او بخواهند، در هشت روز سفر، سه وعده آشپزی را انجام داد. فرح خانم مسئول کاروان هم که قصدش از خرید این خانه، ایجاد زائرسرای ارزان و آوردن رایگان زیارت اولی ها بود، از این کارام البنین خوشش آمد و از او خواست در همه سفرها همراهش باشد؛ «من اصلاً صاحب این خانه رانمی شناختم، اما خدمت به زائران را دوست داشتم. حاج خانم که متوجه شد من برای ثوابش کمک می کنم، وقتی برگشتم بعد از یک هفته به من زنگ زد. گفت: می خواهم کاروان ببرم مشهد، می آیی آشپزی کنی؟ گفتم: چرا که نه! من همیشه آرزو داشتم خادم امام رضا(ع) باشم».

انگار امام رضا(ع) صدایش را شنیده و او شده بود زائر گاه و بی گاهی که دیگر زیارت مشهد آرزوی دورد درش نبود؛ «هر ماه دوسه بار کاروان می آورد مشهد و آشپزی همه با من بود. فرقی نمی کرد چند نفر باشند، حتی اگر خیلی زیاد بودند و بین روز هم باید پای گاز می ماندم، باز هم سخت که نبود هیچ، حتی کیف می کردم از آشپزی برای زائرانی که از زیارت برمی گشتند. بعد از چند ماه یک بار گفت: اگر زودتر بفرستمت مشهد، می توانی بروی خانه رانمیز کنی و غذا را بگذاری؟ گفتم: آره. یک سال و نیم هم این کار را کردم. حاج خانم هر چه می گفت: چقدر می گیری؟ می گفتم: من اصلاً برای کار امام رضا(ع) پول نمی گیرم».

چند بار سفرها خیلی به هم نزدیک بود و بنا شد امی خاله در مشهد بماند. همین ماندگار شدن، حاج خانم لزوم میان را به فکر انداخت که او را مسئول خانه اش در مشهد کند؛ «یک بار حاج خانم رفت و من سه ماه ماندم. چند بار کاروان فرستاد و خودش نیامد. زائر می فرستاد و من بودم که کارها را انجام می دادم».

خدمت به زائران، افتخار من است

شد تنها خواسته ام از امام رضا(ع) خدمت به زائرانش بوده است، گفت: امام رضا(ع) این خانه را به ماداده که تو در مشهد باشی. روزهای امی خاله بایک روای ثابت می گذرد: حرم و مسجد و روضه و رسیدگی به زائرسرای ساده و بی ریای حاج خانم لزومیان. فرح خانم هم گاه و بی گاه برایش مبلغی به عنوان

او که بارها برای خادمی در حرم امام رضا(ع) پاپیش گذاشته است و هر بار دست رد به سینه اش زده اند، بالبخندی از رضایت می گوید: همیشه آرزو داشتم خادم امام رضا(ع) باشم اما چون پنج کلاس بیشتر سواد ندارم، برای هیچ بخشی من را قبول نکردند. اما حاج خانم لزومیان وقتی را زدلم را فهمید و متوجه

این بانوی قوی و بااراده فقط آشپزی نمی کند، بلکه هر کاری برای زائران بتواند، انجام می دهد. اگر زائران نا آشنا باشند و مشهد را نشناختند، می رود راه آهن یا ترمینال دنبالش تا مسیر را گم نکنند. گاهی هم ماشین هماهنگ می کند تا آن ها را ببرد و بیاورد. تا حرم آن ها را همراهی می کند و می شود را همتایشان در سفر. دلش می خواهد هر کس که از مشهد می رود، خاطره یک زیارت شیرین را با خود ببرد.

تشکر و اریزی می کند تا اموراتش بگذرد؛ «بعد از ظهور امام زمان(عج) بزرگ ترین آرزویم این بود که خادم زائر امام رضا(ع) باشم که به آن رسیدم و به زائران آقا خدمت می کنم. الان هم آرزویم این است که امام رضا(ع) من را دست خالی برنگردانند روستایمان. تا آخر عمر من را در مشهد نگه دارد و در همین شهر ماندگار شوم».





بالا خیابان، پایین خیابان

مجلات منطقه‌ها



بازخورد

لکه‌گیری آسفالت در طبرسی جنوبی ۸

شاهیان اتران نبودن شیب آسفالت در کوچه طبرسی جنوبی ۸، به ویژه مقابل مسجد محراب خان، به یکی از دغدغه‌های کسبه و ساکنان این محدوده تبدیل شده بود. گلایه‌ای که در ۲۳ بهمن سال گذشته در گزارشی به آن پرداختیم. گودشدگی آسفالت در مقابل مسجد و شیب نامناسب کوچه، شرایطی را به وجود آورده بود که با هر بارندگی، جلو مسجد آب جمع می‌شد و نمازگزاران برای رفت و آمد مشکل پیدا می‌کردند. معاون اجرایی شهردار منطقه ثامن از برطرف شدن این مشکل خبر می‌دهد و می‌گوید: یکی از پروژه‌های لکه‌گیری آسفالت در منطقه ثامن، حدفاصل خیابان کاشانی تا میدان طبرسی است که از دو ماه پیش آغاز شده و به هفتاد درصد پیشرفت فیزیکی رسیده است. همچنین لکه‌گیری آسفالت، در حد بزرگ

مقیاس و به صورت روکش کامل، در مقابل مسجد محراب خان (بخشی از همین پروژه) کامل انجام شده است. کامران توتونچی به پروژه احداث گذر تشریف‌نوغان با اعتبار ۶ میلیارد تومان اشاره و بیان می‌کند: این پروژه از طبرسی جنوبی ۲ شروع شده و در حال تکمیل است.



تعداد پیام‌های مردمی

۱۲ تماس

درخواست‌های اهالی منطقه ثامن در پیک آخر سفرهای تابستانی

شاهیان در نشست پاسخ‌گویی شهریورماه شهردار منطقه ثامن در مرکز ۱۳۷، این مسئول پاسخ‌گوی دوازده شهروند بود. ساکنان و کاسبان منطقه ثامن باتوجه به پیک آخر سفرهای تابستانی به مشهد، مشکلاتشان را با حسین عباد... زاده مطرح کردند. مشکلات خدمات شهری و به ویژه سد معبر در صدر موضوعات مطرح شده بود. پنج تماس مربوط به حوزه خدمات شهری بود که یک مورد به نبود پارکینگ موتور و مزاحمت موتورهای هادر مسیر پیاده‌رو خیابان طبرسی ۱۴ ارتباط داشت که نیاز به هماهنگی دوباره با پلیس راهور دارد. مورد دیگر مربوط به ته پل محله ۳، کوچه حمام برق بود که یک دیوار پیش‌سازه، معبر شش متری راسه متر کوچک تر کرده است و نیاز به برطرف شدن دارد. سه تماس هم درخواست جمع‌آوری زباله و نخاله‌های ساختمانی بود. دو تماس مربوط به گزارش تخلفات ساختمانی بود: یکی در اندرزگوی ۱۳ و دیگری در نوغان ۱۰ به دلیل ساخت طبقه غیرمجاز که برای همسایه هادر در سراز شده است. چهار تماس دیگر هم برقرار شد که یک مورد به املاک، یک مورد به فنی و عمران، یک مورد به حمل و نقل و ترافیک، یک مورد هم به شهرسازی مربوط بود. همچنین یک تماس هم تشکر از شهردار منطقه برای خدمات رسانی مطلوب در دهه آخر صفر بود.

بزرگ‌ترین صحن حرم مطهر رضوی به نام اعظم پیامبر اسلام (ص) متبرک است

مجموعه‌ای از رنگ و نقش در صحن جامع

نجمه موسوی کاهانی بزرگ‌ترین صحن حرم مطهر امام رضا (ع)، یکی از پروژه‌های مهم توسعه‌ای استان قدس پس از انقلاب اسلامی است و هدف از ساخت آن، پاسخ به رشد جمعیت زائران و نیاز به فضایی وسیع برای اقامه نماز و برگزاری مراسم مذهبی بود. عملیات اجرایی این صحن که با وسعت بیش از ۱۱۷ هزار مترمربع، گنجایش حدود ۷۰ هزار نمازگزار را دارد، در سال ۱۳۶۶ شمسی آغاز شد و در سال ۱۳۸۱ شمسی به پایان رسید. این صحن جنوبی‌ترین صحن مجموعه حرم است و از طریق بست‌هایی به خیابان‌های امام رضا (ع) و شهید اندرزگو که از پرتددترین مسیرهای زیارتی هستند، متصل می‌شود. سال ۱۳۹۹ هم زمان بامبعث پیامبر گرامی اسلام (ص)، نام این صحن از جامع رضوی به جامع پیامبر اعظم (ص) تغییر پیدا کرد.



گنبد بارگاه



کف صحن را با سنگ‌های الوان خلیج و گرانبه پوشانده‌اند و در آن، نقوش گره هندسی بسیار زیبایی با سنگ‌های تیره اجرا شده است. همچنین دو حوض بزرگ به صورت ستاره‌های هشت‌پر ناقص در دو سوی صحن کار شده است که این صحن را از بقیه متمایز می‌کند. یکی دیگر از دلایل تردد زیاد در این صحن، دو مسیر راه‌پله برقی است که در کنار حوض ها قرار گرفته و دسترسی صحن به پارکینگ‌های زیرگذر را فراهم می‌کند.

ایوان جنوبی صحن، مقرنس‌کاری عظیم و پرکاری دارد که دو کتیبه قرآنی به خط استاد موحده به تاریخ ۱۴۳۱ قمری نیز در پیشانی و داخل آن دیده می‌شود. زیر طاق ایوان شرقی و غربی مقرنس‌کاری گچی وجود دارد و در کاشی‌کاری نمای صحن از کتیبه‌های ثلث و نقوش گیاهی، به خط هندسی استفاده شده است. ترکیب طیف‌های رنگی تازه و ستون‌های سفید سنگ مرمر در لبه طاق‌های اطراف صحن، در معماری حرم کار تازه‌ای محسوب می‌شود.



یکی از نشانه‌های جذاب این صحن، سه ایوان و شش گلدسته آن است که در نمای گلدسته‌ها از نقوش گیاهی و هندسی درشت، به رنگ‌های لاجوردی و طلایی استفاده شده است. ایوان جنوبی (ضلع قبله) بزرگ‌ترین ایوان است که به نام ولی عصر (عج) نام‌گذاری شده است و با دو گلدسته به ارتفاع ۷۰ متر چشم‌نوازی می‌کند. دو ایوان شرقی و غربی نیز که کوچک‌تر از ایوان اصلی است، به نام‌های «غدیر» و «کوثر»، هر کدام با گلدسته‌هایی به ارتفاع ۵۷ متر، شکوه خاصی به این صحن پررفت و آمد بخشیده‌اند.